

واکاوی تطبیقی کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر در رسالهٔ عقل سرخ شیخ شهاب‌الدین سهرودی بر اساس نظریهٔ کارل گوستاو یونگ

علی کشاورزقدیمی<sup>۱</sup>، مصطفی ملکی<sup>۲</sup>

چکیده

نماد انسان غول‌پیکر جزء کهن‌الگوهای ناخودآگاه جمعی است که از نظریه‌های کارل یونگ است. ناخودآگاه جمعی ظرفیت‌ها و اشتراکات روحی است که در روان بشر در طول تاریخ رسوب کرده است. عقل سرخ رساله‌ای سرشار از نمادهای کهن‌الگویی است که نماد و کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر در آن نمود بیش‌تری دارد و تلاشی نمادین از بشر را در عبور از وادی‌هایی از خیر و شر درونی و بیرونی برای نیل به مبدأ اصلی خود و کمال نشان داده است. هدف از پژوهش واکاوی تطبیقی کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر در رسالهٔ عقل سرخ شیخ شهاب‌الدین سهرودی بر اساس نظریهٔ کارل گوستاو یونگ است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و به شیوهٔ کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر در رسالهٔ عقل سرخ بسامد بالایی دارد که نه تنها دارای نماد بیرونی است، بلکه به‌عنوان یک نماد درونی نیز مطرح است که در روان بشر قرار دارد و انسان برای رسیدن به کمال می‌بایست بدان برسد.

کلید واژه‌ها: واکاوی تطبیقی، رسالهٔ عقل سرخ، انسان آرمانی، شهاب‌الدین سهرودی، نظریهٔ کارل گوستاو یونگ، انسان غول‌پیکر، سهرودی.

<sup>۱</sup> دکتری زبان و ادبیات فارسی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان قزوین، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول). Akg1356@yahoo.com

<sup>۲</sup> عضو سازمان نظام مهندسی معدن ایران، مسئول فنی معادن استان قزوین. قزوین، ایران. [Mostafamaleki3411@gmail.com](mailto:Mostafamaleki3411@gmail.com)

انسان همواره در طول تاریخ در ضمیر ناخودآگاه خود به دنبال یک الگوی کاملی از انسانیت بوده است که این موضوع در فرهنگ‌های مختلف به اشکال مختلفی خود را نمایان کرده است. ناخودآگاه جمعی بشر پر است از کهن‌الگوهایی که در طول تاریخ در روان بشر رسوب کرده است. انسان آرمانی از کهن‌الگویی است که در ضمیر ناخودآگاه بشر وجود دارد که یونگ<sup>۱</sup> از آن به انسان غول‌پیکر یاد می‌کند که راه بروز آن را موازنه بین من و خویشتن یعنی ایگو و سلف می‌داند (یونگ، ۱۴۰۰: ۳۳۱). دنیا متشکل از مجموعه‌ای از اضداد است. انسان در گیرودار خیر و شر، شادی و غم، تاریکی و روشنی، انرژی مثبت و منفی و... به سوی کمال در حرکت است. روح و روان و جسم بشر از او موجود پیچیده‌ای ساخته است که کشف او برای اندیش‌مندان در طول تاریخ دشوار و مجهول باقی مانده است. اگرچه انسان برای شناخت خود هیچ‌گاه متوقف نگردید لذا کشف این مباحث و نظریه‌ها برای پرفسور کارل یونگ است. او به طرز موشکافانه‌ای این مباحث را مطالعه و گسترش داد و ارتباط تحقیقات و اندیشه‌های بلند او با حقیقت و ماهیت ناخودآگاه، اندیش‌مندان زیادی را تحت تاثیر خود قرار داد.

یونگ راه نجات بشر را در انکار نکردن خود و دست برداشتن از فرافکنی و کسب آگاهی و روبه‌رو شدن با روح خویش می‌داند. اگرچه به گفته او این رویارویی دردناک و ترسناک است چرا که هیچ‌کس از دیدن خویشتن واقعی خود خوشحال نمی‌شود چرا که تاکنون در حال انکار و فرافکنی بوده است. آگاهی از ناخودآگاه ما و شناخت سایه و ظلمات درون سبب می‌شود خود را بهتر بشناسیم و انسان متعادل و تاثیرگذارتری باشیم. آگاهی کمک می‌کند بر ناخودآگاه سرکش و خودسر خود مسلط شویم و با روح خود رویارو شویم. این که رنج ابدی وجود نداشته باشد چیز ناممکنی است اما آگاهی در کاهش رنج انسان نقش به‌سزایی دارد و اگر این امر در انسان محقق شود، هم فرد با ناخودآگاه فردی و هم جامعه با ناخودآگاه جمعی رو به تعالی و کمال حرکت خواهد کرد.

<sup>1</sup> Carl Gustav Jung

یکی از نمودهای بروز آگاهی شناخت انسان غول‌پیکر درون و میل به انسان کامل شدن و رفتن به سوی کمال است. انسان غول‌پیکر نیز به عنوان یک کهن‌الگوی موجود در ناخودآگاه جمعی بشر در کنار دیگر کهن‌الگوها نقش مهمی در شناخت انسان از خودش و نیز شناختش از مختصات خود در عالم هستی ایفا می‌کند تا با کسب آگاهی از مراحل سخت و دشواری عبور و با واکاوی درون خود و نیز گذر از مراحل سخت درونی به سرمنزل مقصود دست یابد و به کمال خود واصل گردد.

### بیان مساله

آدمی همواره در ادوار مختلف تاریخ به دنبال یک آرمان‌شهر بوده است و لازمهٔ تشکیل یک آرمان‌شهر وجود انسان‌هایی کامل است. در *رسالهٔ عقل سرخ* می‌بینیم به صورت نمادین بشر در بند خویش است و می‌خواهد خویشتن را از میان خیر و شرهای عالم به مقصد مطلوب برساند و در میان اضداد درونی و بیرونی به کمال دست یابد و نیازمند این است که از خویش انسانی کامل بسازد تا بتواند از وادی‌های سخت عبور کند و بر قلّهٔ قاف دست یابد. پس انسان غول‌پیکر و آرمانی یک موجود بیرونی نیست بلکه یک کهن‌الگو در ضمیر ناخودآگاه بشر است که یونگ در نظریه‌هایش به آن پرداخته است. انسان باید در خود شمه‌هایی از انسان آرمانی را که تعریف کرده است ایجاد کند تا بتواند به سوی آن انسان کاملی که توصیف می‌کند و شهر آرمانی خود برسد و این‌ها را همگی با زبان نماد در آثار فلسفی و ادبی خود بیان کرده است. *عقل سرخ* داستانی تمثیلی از شیخ شهاب‌الدین سهروردی است که به زبان پرندگان روایت می‌شود و داستانی است که در آن مسائل فلسفی-عرفانی به صورت رمزگونه بیان شده است. این داستان نماد عقل کل و حقیقت مطلق است (محمدی، ۱۳۹۷: ۱۱-۱).

روند داستان و نمادها و تمثیل‌های آن نشانگر این است که انسان در حقیقت در ملجأ اصلی خود در آزادی و پرواز بوده است و هنگامی که از وادی اصلی خود منفک می‌گردد که می‌توان داستان تمثیلی آدم و حوا و اخراج آن‌ها از بهشت را با خروج باز از کوه قاف تطبیق داد، همواره در پی بازگشت به اصل خویش بوده است؛ بنابراین بشر وقتی که از جایگاه اصلی خود جدا شد، دنیا به دنیا مرحل‌ی را در گِیرو دار خیر و شرّ طی کرد تا دوباره به کمال برسد و سیر به بازگشت اصلی خود را

تکمیل کند. او در این مسیر سخت به پختگی می‌رسد چرا که لازمه دست‌یابی به کمال جز کامل شدن نیست و لازمه دست‌یابی به آرمان‌شهر یا نهایت کمال، انسان کامل شدن است.

به گفته یونگ<sup>۱</sup> انسان در طول تاریخ برای کامل شدن در فرهنگ‌های مختلف نمادهای مختلف و تعاریف متعددی را بیان کرده است که همگی در وجوهاتی با هم مشترک هستند. در برخی فرهنگ‌ها نماد انسان غول‌پیکر بودا، خضر، مسیح، کیومرث، زئوس و غیره می‌باشد که همگی وجه اشتراکشان در کامل بودن آن انسان از دیدگاه بشر است، وجود انسان غول‌پیکر در تفکرات بشر نیز چونان کهن‌الگویی در روان او بروز کرده است (یونگ، ۱۴۰۰: ۵۶۵).

از جنبه انسان غول‌پیکر روان بشر میل به کامل شدن دارد. چون ناخودآگاه بشر روی خودآگاه او اثر می‌گذارد و آنرا مدیریت نامحسوسی می‌کند، در آثار ادبی و هنری و فلسفی این تفکرات و نقش ناخودآگاه جمعی را می‌بینیم. آثار هنری مثل مجسمه‌های بزرگ داود میکل‌آنژ و مجسمه بودا و مسیح، نمادهایی عینی از میل بشر به انسان کامل شدن و تراشیدن صورتی مثالی از انسان غول‌پیکر است (همان: ۵۷۲).

در رساله عقل سرخ نمادهای زیادی را می‌توان مشاهده کرد اما نماد انسان غول‌پیکر در آن بسامد بالایی دارد؛ چرا که روند داستان رسیدن به کمال را تداعی می‌کند. شاید از سویی بتوان آن پیر فرزانه را نماد یک انسان کامل بیرونی دانست، اما انسان غول‌پیکر در روان هر بشر وجود دارد. در حقیقت انسان، باید ابتدا خود انسانی غول‌پیکر گردد تا بتواند از قیده‌های خویش بگسلد و راه کمال یا قله قاف را در پیش گیرد.

### اهداف پژوهش

اهداف پژوهش واکاوی تطبیقی کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر در رساله عقل سرخ شیخ شهاب‌الدین سهرودی بر اساس نظریه کارل گوستاو یونگ است و نیز این‌که به عنوان یک تحقیق

<sup>۱</sup> کارل گوستاو یونگ (۲۶ ژوئیه ۱۸۷۵-۶ ژوئن ۱۹۶۱) فیلسوف و روان‌شناس اهل سوئیس بود که با فعالیتش در روان‌شناسی و ارائه نظریاتی تحت عنوان روانشناسی تحلیلی شناخته می‌شود (ن.ک: شولتز، ۱۳۸۷: ۲۹۶)

بین‌رشته‌ای نقش کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر را در *رساله عقل سرخ* واکاوی و با تطبیقی روان‌شناسانه بر اساس نظریه کارل یونگ با روش توصیفی-تحلیلی به خواننده ارائه می‌کند.

### سؤال‌های پژوهش

کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر در *رساله عقل سرخ* شیخ شهاب‌الدین سهروردی چگونه بازتاب داده شده است؟ با توجه به این‌که ناخودآگاه جمعی مجموعه‌ای از کهن‌الگوهاست و کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر به عنوان یکی از نمادهای بیرونی و نیز درونی بشر است در *رساله عقل سرخ* به صورت نمادین چگونه به ویژگی‌های یک انسان غول‌پیکر برای دست‌یابی به هدف نهایی؛ یعنی کمال از لحاظ عرفانی-فلسفی تمرکز شده است؟

### پیشینه پژوهش

درباره نظریه یونگ تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی در جهان و ایران منتشر شده است؛ اما پژوهشی که به‌طور تخصصی به بررسی واکاوی تطبیقی کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر در *رساله عقل سرخ* شیخ شهاب‌الدین سهروردی بر اساس نظریه کارل گوستاو یونگ پرداخته باشد مسبوق به سابقه نیست.

اما کتاب‌هایی که از وجهی به این موضوع پرداخته‌اند عبارتند از:

۱. کتاب *انسان و سمبول‌هایش* (۱۴۰۰) نوشته کارل گوستاو یونگ که توسط حسن اکبریان طبری ترجمه گردیده و انتشارات دایره آن را منتشر کرده است. در این کتاب نظریه یونگ درباره ناخودآگاه جمعی تشریح شده و به کهن‌الگوهای سایه و آنیما و آنیموس و نیز نمادهای بشری و نیز به تحلیل رؤیا و نمادهای ناخودآگاه در آن پرداخته است. کتاب دوم که به تحلیل نظریه یونگ می‌پردازد، کتاب *روان‌شناسی ضمیر ناخودآگاه* (۱۳۸۷) نوشته کارل یونگ است که توسط محمدعلی امیری ترجمه شده و انتشارات علمی و فرهنگی آن را منتشر کرده است. در این کتاب ضمن تشریح نظریه یونگ

درباره ناخودآگاه به‌طور ویژه به شرح ناخودآگاه جمعی و در باب نظریه عشق از دیدگاه یونگ پرداخته است.

۲. کتاب *درآمدی بر روان‌شناسی یونگ* (۱۳۹۹) نوشته فریدا فوردهام که توسط مسعود میربها ترجمه گردیده و انتشارات جامی آن‌را منتشر کرده است، در این کتاب به‌طور کلی به تشریح نظریات یونگ به زبان ساده‌تری می‌پردازد و بر نظریات یونگ چون ناخودآگاه جمعی و انواع کهن‌الگوها مثال آنیما، آنیموس، سایه، پرسونا و آرکی‌تایپ‌ها به‌طور کلی نظر دارد و دیدگاه‌های او را درباره تأثیر ناخودآگاه بر شخصیت فردی و سرنوشت جمعی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳. کتاب *مقدمات روان‌شناسی یونگ* (۱۴۰۰) نوشته کلوین، اس‌هال، ورنون جی، نوردبی که توسط شهریار شهیدی ترجمه شده است و انتشارات آینده درخشان آن‌را منتشر کرده است. در این کتاب مقدماتی بر نظریات یونگ درباره ضمیر پنهان و من ناشناخته و خود ناشناخته و تعبیر رؤیا و نمادشناسی ناخودآگاه و درون‌گرایی و برون‌گرایی و کهن‌الگوها آمده است.

اما مقالاتی که از جوهری مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته‌اند عبارتند از:

مقاله اول: «بررسی و تحلیل کهن‌الگوی پیر فرزانه در رساله‌های سهرودی» (۱۳۹۲) که توسط محمد طاهری، فریبا رضایی و حمید اقاچانی نوشته شده است که در آن مقاله به بررسی کهن‌الگوی انسان کاملی می‌پردازد که به عنوان پیر طریقت چگونه راهنمای دیگران برای سیر و سلوک و طی کردن مراحل دشوار آن بوده است.

مقاله دوم: «تحلیل رساله عقل سرخ سهروردی بر اساس نقد کهن‌الگویی» (۱۳۹۶) که توسط جلیل مسعودی‌فرد و ندا ریحانی نوشته شده است که در آن نوشته به بررسی و تحلیل کهن‌الگوهایی چون باز، چاه، درخت طوبی، سیمرغ و چشمه زندگانی پرداخته است.

مبانی نظری پژوهش

بعد از کشف ناخودآگاه توسط زیگموند فروید، اندیشمندانی چون کارل یونگ به گسترش و شرح آن و افزودن نظریه‌های جدیدی در این مبحث پرداختند. از جمله نظریه‌های خاص یونگ وجود ناخودآگاه جمعی در کنار ناخودآگاه شخصی است. او روان آدمی را حامل پتانسیل‌های روانی که از اجداد ما به ما به میراث گذاشته شده، می‌دانست؛ در حالی که فروید انسان را در بدو تولد به لوح سفید تشبیه می‌کرد که با تجربه زیسته بشر نگاشته می‌شود. (فروید، ۱۳۸۲: ۸۰-۱۰).

اما یونگ این اعتقاد را نداشت؛ او انسان را وارث مجموعه‌ای از کهن‌الگوها می‌دانست که در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر تجمع دارد که در کنش با ناخودآگاه شخصی است. ناخودآگاه جمعی مجموعه‌ای از کهن‌الگوها است (یونگ، ۱۴۰۰: ۳۲۳). فروید بنیان‌گذار روان‌کاوی و روان‌درمانی نظریه‌های خود را مبتنی بر تعارض‌ها و انگیزه‌های ناخودآگاه استوار کرد (کرول و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۳) فروید اعلام کرد ما به همه اعمالی که انجام می‌دهیم آگاهی نداریم (گنجی، ۱۳۸۷: ۲۱). از نظر فروید هر پدیده روانی در یک روند علّیتی سرسخت که بیشتر ناخودآگاه است اتفاق می‌افتد (باقری و خسروی، ۱۳۸۷: ۲۱). «عوامل، تمایلات و گرایش‌های عصبی اساساً ناخودآگاه هستند (هورنای، ۱۳۸۷: ۳۸). «فروید با این حرف‌ها می‌خواست بگوید که ناخودآگاه هنوز جایگاه چیزهای زیادی است که ممکن است منجر به ارزیابی‌های جادویی و غیبی از آنها شود، چیزی که در حقیقت نیز این‌گونه است. این بقایای قدیمی یا اشکال کهن‌الگویی که روی گرایز قرار گرفته‌اند و به آنها جلوه می‌دهند ویژگی اسرارآمیزی دارند» (یونگ، ۱۳۹۹: ۵۶ و ۵۷). «ضمیر ناخودآگاه جمعی را نخستین بار کارل یونگ در روان‌شناسی مطرح کرده است» (یونگ، ۱۳۸۷: ۲۴). «یونگ گذشته از آن‌که برای ضمیر ناخودآگاه و نقش آن در زندگی فرد اهمیتی قائل است که با عقیده فروید کاملاً تفاوت دارد، وجود لایه دیگری را نیز در ناخودآگاهی انسان قائل است که آنرا ناخودآگاه جمعی یا ضمیر ناخودآگاه جمعی می‌خواند. این مفهوم، در روان‌شناسی یونگ از اهمیت و اصالت خاصی برخوردار است» (همان: ۲۴). «یونگ می‌گوید آنچه او صورت مثالی یا الگوی دیرینه می‌نامد همان است که لوی برول فیلسوف و قوم‌شناس فرانسوی تجسّمات جمعی خوانده است» (یونگ، ۱۳۶۸: ۱۵).

همان‌گونه که بدن انسان دارای مجموعه اندام مشترک فراسوی هرگونه تفاوت نژادی است، به همان‌گونه روان انسان هم دارای یک جوهر مشترک فراتر از تفاوت‌های فرهنگی و خودآگاهی است (یونگ، ۱۳۸۳: ۲۷ و ۲۸). «فهم تکامل به روان‌شناسان کمک می‌کند تا منشأ رفتار آدمی را درک کنند.

آدمیان دارای الگوهای ویژه‌ای از رفتار نیز شده‌اند. به همان شکلی که صاحب‌الگوهای منحصر به فردی از ویژگی‌های جسمی شده‌اند» (ویتیک، ۱۳۸۶: ۵۳). «تجربه‌های قبلی و ساخت‌های قبلی ادراکی یا ساخت‌های رفتاری قبلی به مانند یک پس‌خوراند در ادراکات بعدی اثر می‌گذارند» (فیضی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

انسان‌ها از بستر درآوردن پتانسیل‌های فردی فراتر می‌روند و در یک فرآیند جهانی و ابدی ادغام می‌شوند. گاهی انسان‌ها از ناهشیار جمعی خود بهره می‌گیرند و بدون آن‌که خودشان بدانند به شیوه‌های عجیب و غریب عمل می‌کنند که از ویژگی‌های اصلی کهن‌الگو است (کمالی بانیانی، ۱۴۰۱: ۱۰۴). «یگانگی کهن‌الگوها سبب تکامل مرد و زن می‌شود (صرفی، مدبری و علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۱).

#### ناخودآگاه جمعی (collective unconscious):

به استعدادها و ظرفیت‌های مشترک انسان‌ها در هر کجای جهان و در مقاطع تاریخی و فرهنگی مختلف که ناشی از ماهیت وجودی و ادراک آنان در یک موضع مشترک است اطلاق می‌گردد (یونگ: ۱۴۰۰: ۱۰).

#### کهن‌الگوها (Archetype):

مصالح و مواد ساختمان روان آدمی هستند. آنچه در ناهشیار جمعی نهفته است کهن‌الگو نامیده می‌شود. کهن‌الگو قالب‌های فکری بنیادین و مشترک در روان انسان‌هاست (همان: ۱۱).

#### بحث و بررسی

#### شیخ شهاب‌الدین سهروردی

شهاب‌الدین یحیی معروف به شیخ اشراق در سال ۵۴۹ هجری قمری در روستای سهرورد زنجان متولد شد و نزد استادانی همچون مجدالدین جیلی در مراغه و ظهیرالدین فارسی در اصفهان تحصیل کرد و در حلب و شهر دمشق به دربار ملک ظاهر پسر صلاح‌الدین ایوبی راه یافت و به دلیل کینه‌ورزی فقیهان که به وی تهمت بی‌دینی زدند؛ به سفارش صلاح‌الدین ایوبی و به دست پسرش محبوس گردید و با قطع طعام در سن ۳۸ سالگی بدرود حیات گفت.



سهروردی از راه شهود با منبع کمال و آگاهی ارتباط برقرار کرد. سهروردی راه فلسفه را جایز و راه شهود را لازمه دریافت علم و آگاهی می‌دانست. حکمت اشراق وی مبتنی بر اشراق یعنی کشف و یا حکمت مشارقه به معنای اهل فارس برمی‌گردد. او برای انسان به جز عقل، به شهود قائل بود. سهروردی خود را وارث دو سنت فکری باستانی یونانی و ایرانی و پیرو فلسفه و عرفان خسروانی می‌داند و بدین ترتیب با افلاطون و زرتشت پیوند برقرار می‌سازد. در افق فکری او افلاطون و زرتشت و پادشاهان فرزانه ایران باستان همه شارحان یک حقیقت و مفسران یک پیام معنوی هستند. اغلب آثار سهروردی رمزگونه و غالب تمثیل و نماد بیان شده است (محمدی، ۱۳۹۷: ۱-۱۲).

### عقل سرخ

**عقل سرخ** رساله‌ای است که به زبان مرغان روایت می‌شود. شاخصه اصلی این رساله سخن گفتن به زبان نماد است و از ژرفای درون نویسنده برمی‌خیزد. هر کدام از نمادها معنایی دیگر را دربردارد که رمزگشایی از آن مخصوص اهل شهود می‌باشد و بیانگر شرح مراحل هستند که نفس پس از رها شدن از قید و بندها و عروج تدریجی و خروجش از زندان عالم جسمانی می‌پیماید.

محور اصلی **رساله عقل سرخ** دیدار قهرمان داستان با پیری روحانی و گفت‌وگویی که بین این دو درمی‌گیرد است. روای این داستان پرنده‌ای روشن‌ضمیر و آگاه است. سهروردی در این رساله دغدغه‌های عرفانی و فلسفی خود را بیان می‌کند. او در این رساله از بسیاری از عناصر آشنا استفاده کرده است که همگی اجزایی آشنا در ادبیات عرفانی ایران هستند. از نظر او مقصد بهانه و طارق مسیر در راه است که می‌آموزد و آگاه می‌شود. «سهروردی با زبان رمز در مصاحبه با دوستی، خود را بازی معرفی می‌کند که در آغاز خلقت با بازهای دیگر آزادانه در عالم روحانی گفتگو داشته است؛ سپس حکایت می‌کند چگونه گرفتار دام قضا و قدر شده و او را به عالم فرودین (ناسوت) انداخته و چشم دل او را بسته و پاسبانانی بر او گماشته‌اند که به نحوی او را مشغول و از یاد عالم روحانی (ولایت اول) غافل کرده‌اند، ولی به تدریج چشمش را باز نمودند در حالی که پاسبانان را از خود غافل یافته و در این حال رو به صحرا (عالم روحانی) آورده و در آن‌جا با عقل سرخ (جبرئیل) برخورد کرده است که دارای محاسن و رنگ و روی سرخ است.

سهروردی در ملاقات با جبرئیل در مورد عجایبی که این فرشته دیده است، سؤالاتی می‌کند؛ او به تمام سوالات شیخ پاسخ می‌دهد و در خاتمه دوست سهروردی از او می‌خواهد که راه سیر و سلوک را به او نشان داده و وی را با خود همراه سازد. در این داستان نخستین مسأله، طرح مرغ و پرواز است و سخن گفتن مرغان با یکدیگر است. رمز در این رساله مشخصه بارز داستان است. بدون فهم و دریافت این رموز، درک مضامین نوشته‌هایش غیر ممکن می‌نماید. رمز یا سمبل آن رمز کتابی در صور خیال و علم بیان نیست که برای تزیین و یا ادبی نمودن کلام به کار می‌رود بلکه مراد نویسنده از کاربرد رمز استفاده از واژه‌های محسوس برای بیان تجربیات عارفانه و انتزاعی خود است که با کلمات معمولی قابل شرح و بیان نیستند» (پورشوق، حکیم آذر و همتی، ۱۳۹۵: ۷-۵).

«سهروردی از یک سو با اندیشه و مطالعه و گسترش دامنه شناختی و معرفتی خود و از سوی دیگر با تحمل ریاضت‌هایی و گذر از مراحل به ورزیدگی و شوق جسم و روح خویش می‌پردازد و به حقیقت نور شهود و اشراق واصل می‌شود» (نیک‌پناه و همکاران، ۱۴۰۲: ۵).

### واکاوی تطبیقی کهن‌الگوی انسان غول‌پیکر در رساله عقل سرخ شیخ شهاب‌الدین سهروردی بر اساس نظریه کارل گوستاو یونگ

باید تاکید کرد یونگ به‌عنوان یک روان‌شناس غربی همچون سهروردی درآموزه‌های خود به نماد و تمثیل اهمیت می‌داد. باید گفت: تحقیقات او در حوزه ناخودآگاه حول این محور می‌چرخد. در تطبیق این نظریه نقطه مشترک یونگ و سهروردی اعتقاد به شهود است. باید گفت: یونگ سرچشمه نقصان آگاهی بشر امروز را فاصله گرفتن از عقل شهودی و پرداختن بیش از حد به عقل محاسبه‌گر دانسته و رسیدن به آگاهی حقیقی را از طریق پیمودن مراحل دقیقی می‌داند (یونگ، ۱۴۰۰: ۱-۲۰). در اصل این همان دیدگاه است که سهروردی نیز بدان تاکید دارد؛ لذا اهمیت این موضوع نشان می‌دهد فیلسوفان و عارفان گذشته ما همچون شهاب‌الدین سهروردی پیش از یونگ بهال ارزش این موضوع

برای رشد و آگاهی بشر و تک‌بعدی نماندن او پی برده بودند؛ بنابراین از دیدگاه آنان پرداختن به سیر و سلوک درونی راه اصلی یافتن گنج درون و گوهر شب‌افروز است.

از سویی اغلب تمثیل‌های عقل سرخ مواجهه با تاریکی‌ها و روشنایی‌های درون است. برهمین مبنا انسان ملغمه‌ای از تاریکی و روشنایی است و رسیدن به روشنایی جز از راه شناخت تاریکی و رویارو شدن با ظلمات و سایه نمی‌گذرد. طبق این نظریه همه چیز در وهله اول پنهان شده در روان بشر است، روانی که از ناخودآگاه فردی و جمعی تشکیل شده و محتویات ناخودآگاه فردی مواردی چون ایگو و روح یعنی سلف است.

برهمین اساس ناخودآگاه جمعی جایگاه کهن‌الگوهاست. کهن‌الگوهایی که در قالب پتانسیل روانی مشترک از نیاکان ما برای ما به میراث گذاشته شده است. نکته اساسی این‌جا است که ناخودآگاه جز با زبان نماد سخن نمی‌گوید و می‌توان این اشتراک را که سخن گفتن به زبان نماد است در متون فلسفی و عرفانی نیز مشاهده کرد که *رساله عقل سرخ* از برجسته‌ترین آثار در این زمینه است.

از طرفی ایجاد وحدت میان عناصر روان در عین کثرت آن از اهداف روان‌شناسی نوین است که در فلسفه اشراق سهروردی تبلور دارد که یونگ از آن به فرآیند فردیت یاد می‌کند؛ یعنی رسیدن انسان به کمال درون و آگاهی حقیقی.

در واکاوی تطبیقی این دو نظریه باید گفت یونگ، راه رسیدن به تعادل را دست‌یابی به راه ارتباطی بین ایگو و سلف می‌داند؛ یعنی من و خویشتن، و این را جز از راه مواجهه با خویشتن و روح هر انسانی نمی‌داند (یونگ، ۱۴۰۰: ۳۳۵). یونگ هم‌چنین رویارویی انسان با روح خود را دردناک می‌داند؛ چرا که نقایص خود را می‌بیند و رنج می‌کشد، اگرچه وقتی با آن‌ها روبرو می‌شود آگاهی می‌یابد و می‌تواند خویش را رشد دهد. در این الگو پیر فرزانه نمادی از کسی است که انسان را با درون خود مواجه می‌سازد و در عین حال آگاهی‌های لازم جهت رشد او را گوشزد می‌کند.

در مقایسه بر اساس دیدگاه سهروردی نیز خویشتن نمادی از احیای مجدد زندگی یا همان آب زندگانی است که سهروردی بدان اشاره دارد. بدین معنا که وقتی انسان خویشتن و ناخودآگاه خود را

بشناسد او را سرشار از آگاهی بی‌پایان می‌کند؛ بر همین مبنا خویشتن در تمام عمر با ما همراه است و تغییری در آن رخ نمی‌دهد؛ یعنی جوهره وجودی انسان تغییر نمی‌کند؛ بنابراین خویشتن ورای زندگی آگاهانه موجب دریافت‌های ما از زندگی می‌شود. در همه جا حضور دارد و به اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد و به‌طور اخصّ گاهی به صورت انسان غول‌پیکر یا انسان کامل خود را نمایان می‌سازد (یونگ، ۱۴۰۰: ۳۳۶).

باید گفت ما در بسیاری از اسطوره‌ها و متون فلسفی-عرفانی شاهد انسان غول‌پیکر هستیم و این را در داستان *عقل سرخ* نیز به‌طور رمزگونه‌ای مشاهده می‌کنیم. در حقیقت انسان غول‌پیکر نمادی از موجودی یاری‌دهنده در روان آدمی است که میل به کمال و فردیت را در او شکل می‌دهد که از آغاز هستی در روان بشر وجود داشته است و نماد وحدت کل بشر است.

سهروردی به عنوان یک عارف و فیلسوف به این شناخت رسیده بود که انسان غول‌پیکر، ساخته روان و درون آدمی است و خویشتن را به آب زندگانی تشبیه کرد که شناخت آن ما را به انسان کامل نزدیک می‌کند، نمادی که ما را از رنج‌ها و بندهایمان می‌رهاند و به سوی مقصود اصلی بشر راه می‌نمایاند و انسان را بیدار می‌سازد.

به گفته یونگ: «انسان غول‌پیکر نه تنها نماد آغاز حیات بلکه غایت کل آفرینش است و در نهایت حقایق درونی روان افراد به نماد کهن‌الگوی خویشتن تبدیل می‌شود. در حقیقت هدف انسان شدن است و ورای این غرایز حقایقی در درون ماست که راز زنده‌ای را به صورت نماد نشان می‌دهد و ناخودآگاه برای تبیین آن از تصویر و نماد قدرت‌مند انسان غول‌پیکر بهره می‌گیرد» (یونگ، ۱۴۰۰: ۳۳۰ - ۳۳۱).

در تطبیق دو دیدگاه، سهروردی قبل از یونگ به این موضوع اشاره داشته است که انسان باید به ظلمات پای‌گذارد و در آن کنکاش کند و آب زندگانی را در درون خویش بجوید زیرا هر انسان در درون خود چشمه‌ای از آب زندگانی را در ظلمات درونی خویش دارد؛ آن‌گاه است که می‌تواند تیغ بلارک را که نمادی از سرگستگی بشر برای برون‌رفت از حیرانی است، تحمل کند و به واسطه

شناخت خویش از این رویارویی دردناک به سوی کمال راه یابد. در مقایسه انسان غول‌پیکر تنها یک نماد بیرونی یا یک الگوی بیرونی نیست بلکه علاوه بر آن یک نماد درونی در روان اوست تا بشر را به سمت کمال و انسان غول‌پیکر شدن سوق دهد؛ چرا که تا خود چنین نگردد بر کوه قاف نتواند رسید.

باید گفت یونگ و سهروردی هر دو خودسازی و خودشناسی را رکن اصلی رسیدن به انسان غول‌پیکر می‌دانند تا به واسطه آن به کمال و کوه قاف برسد. این جاست که پیر به او می‌گوید: «خضر شو» یعنی خود خضر شو و راه را بپیمای. بدان معنا که هر انسان خود باید به سوی کمال قدم بردارد، آنگاه است که وقتی چنین شد چون روغن بلسان آبی از میان کوه خواهد گذشت که همان نماد آگاهی یافتن بشر و رسیدن به ذات اصلی خود است؛ بر همین اساس گذرگاه رسیدن به خدا و کمال جز از درون نمی‌گذرد آن‌چنان که به قولی خیر و شر آدمی به او الهام شده است و هر کسی در درون خود یک انسان کامل را دارد که می‌خواهد به او برسد.

در مقایسه تطبیقی ظلمات شهاب‌الدین سهروردی در عقل سرخ را می‌توان به کهن‌الگوی سایه یونگ تشبیه کرد و آب زندگانی نیز جز شناخت سایه و ظلمات درون و خویش‌شناسی نیست که خداشناسی نیز از گذرگاه خودشناسی می‌گذرد. «هرکه معنی حقیقت یافت بدان چشمه برسد اگر خضر شوی از کوه قاف آسان توانی گذشت» (سهروردی، ۱۴۰۰: ۳۵).

از طرفی در یک موضوع مشترک شیخ شهاب‌الدین سهروردی و یونگ ظلمات و سایه هر کسی را در درون او مستتر می‌دانند، آن‌جا که از پیر می‌پرسد: «چشمه زندگانی کجاست؟ و پیر می‌گوید: در ظلمات. اگر ظلمات می‌طلبی خضروار پای افزار در پای کن و ره ظلمات در پیش گیر و او می‌گوید: راه از کدام جانب است؟ از هر طرف که روی، چون راه روی راه بری، گفت: نشان ظلمات چیست؟ گفت: سیاهی و تو خود در ظلماتی و خود نمی‌دانی» (همان: ۳۶).

طبق این دو دیدگاه شهودی هر کسی در درون خویش و در روان خود در مسیر جست‌وجوی آب زندگانی که همان آگاهی و خودشناسی است قدم بردارد، می‌تواند انسان غول‌پیکر خویش را دریابد تا به سر منزل مقصود یعنی کمال دست یابد؛ اما نباید پنداشت این نماد که یک نماد جهانی

است، قابل دسترسی کامل است، بلکه این من است که جای خود را در گذرگاه عبور از خویشتن به انسان غول‌پیکر می‌دهد (یونگ، ۱۴۰۰: ۳۳۸). این مطلوب زمانی محقق می‌شود که من با خویشتن درآمیزد و فقط زمانی انسان به کمال می‌رسد که با انسان غول‌پیکر روبرو شود تا بتواند بندها را بگسلد و آب زندگانی را که جز در روان آدمی نیست بیابد و این آرمان جز از گذرگاه شناخت خویش نمی‌گذرد.

### نتیجه‌گیری

در یک واکاوی تطبیقی انسان کامل در رساله عقل سرخ شیخ شهاب‌الدین سهروردی و انسان غول‌پیکر در نظریه کارل گوستاو یونگ نتایج نشان می‌دهد:

- یونگ راه کامل شدن را واکاوی درون و درآمیختگی من و خویشتن می‌داند و سهروردی نیز از آن به ظلمات درون و آب زندگانی یاد کرده است.
- در این دو دیدگاه انسان کامل تنها یک نماد بیرونی یا الگوی خارجی نیست بلکه هر انسان در درون خود آب زندگانی دارد که به واسطه دست‌یابی به آن می‌تواند به سوی کمال حرکت کند.
- در مطابقت دو نظریه و اشتراکات آن نقش ناخودآگاه نمود بیش‌تری پیدا می‌کند که واکاوی ناخودآگاه که با زبان نماد سخن می‌گوید، بشر را به سوی خودشناسی و آنگاه خداشناسی و کمال سوق می‌دهد تا در مسیر خیر و شرهای عالم به پختگی برسد و اگر انسان خود انسانی غول‌پیکر شد خضروار از ظلمات درون و روان خود می‌گذرد و چون روان یافت چونان روغن بلسان که از دست می‌گذرد از کوه‌های سخت روان خویش عبور و به کامل شدن می‌رسد در حقیقت به وحدت من و خویشتن دست می‌یابد.

## فهرست منابع و مآخذ

## الف- کتاب ها

- ۱- باقری، خسرو، خسروی، زهره، (۱۳۸۷)، *نظریه‌های روان‌شناسی معاصر*، چاپ اول، تهران: انتشارات علم.
- ۲- سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۴۰۰)، *عقل سرخ*، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب نیستان.
- ۳- شولتز، دوان‌پی، شولتز، سیدنی آلن، (۱۳۷۰)، *تاریخ روان‌شناسی نوین*، چاپ اول، جلد دوم، ترجمه سیف، علی اکبر، شریفی، حسین پاشا، علی‌آبادی، خدیجه، نجفی‌زند، جعفر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- فروید، زیگموند، (۱۳۸۲)، *کاربرد تداعی آزاد در روان‌شناسی کلاسیک*، ترجمه شجاع‌شفتی، سعید، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۵- فورد هام، فریدا، (۱۳۹۹) *درآمدی بر روان‌شناسی یونگ*، ترجمه میربها، مسعود، تهران: انتشارات جامی.
- ۶- فیضی، زهرا، (۱۳۸۳)، *مبانی روان‌شناسی احساس و ادراک*، چاپ اول، تهران: انتشارات پشتوتن.
- ۷- کرول، وید، کرول، تاوریس، ژوسپر، دبورا، ایلاس، لورین، (۱۳۹۷)، *روان‌شناسی عمومی*، ترجمه هاماباک آوادیس، یانس، عرب‌قهستانی، داود و همکاران، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
- ۸- کلوین، اس‌هال، ورنون‌جی، نوردبی، (۱۴۰۰) *مقدمات روان‌شناسی یونگ*، ترجمه شهریار شهیدی، تهران: انتشارات آینده درخشان.

- ۹- گنجی، حمزه، (۱۳۸۷)، *مبانی روان‌شناسی عمومی*، چاپ اول، تهران: انتشارات روان.
- ۱۰- ویتیک، آرنو، (۱۳۸۶)، *مقدمه روان‌شناسی*، ترجمه محی‌الدین بناب، مهدی، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
- ۱۱- محمدی، عباس، (۱۳۹۷)، *عقل سرخ و داستان غربت غربی*، چاپ اول، تهران: انتشارات روزگار.
- ۱۲- هورنای، کارن، (۱۳۸۵)، *خودکاوی*، ترجمه مصفا، محمدجعفر، چاپ اول، تهران: انتشارات بهجت.
- ۱۳- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۰)، *انسان و سمبول‌هایش*، ترجمه اکبریان طبری، حسن، چاپ دوم، تهران: انتشارات دایره.
- ۱۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۹)، *خودکشف نشده*، ترجمه بابازاده، رضا، چاپ اول، تهران: انتشارات پبله.
- ۱۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی ضمیر ناخودآگاه*، ترجمه امیری، محمدعلی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی و شرق*، ترجمه صدقیانی، لطیف، چاپ اول، تهران: انتشارات جامی.
- ۱۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۸) *چهار صورت مثالی*، ترجمه فرامرزی، پروین، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

### ب- مقالات

- ۱۸- پورشرق، عباس، حکیم آذر، محمد، همتی، امیرحسین، (۱۳۹۵)، «تحلیل محتوای رساله عقل سرخ سهروردی»، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، دوره ۱۴، شماره ۵۵.



- ۱۹- طاهری، محمد، رضایی، فریبا و آقاجانی، حمید (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل کهن‌الگوی پیر فرزانه در رساله‌های سهروردی»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادب عرفانی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۳۴.
- ۲۰- کمالی‌بانیانی، محمد (۱۴۰۱)، «صورت تمثیلی آنیموس در اشعار فروغ فرخ‌زاد»، فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۱۲۷-۱۰۲.
- ۲۱- صرفی، محمدرضا، مدبری، محمود و علی‌نژاد، ملیحه (۱۳۹۵)، «بررسی جلوه‌های آنیموس در شعر فروغ فرخ‌زاد، سیمین بهبهانی و طاهره صفارزاده»، فصل‌نامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، سال ششم، شماره ۲۰.
- ۲۲- مسعودی‌فرد، جلیل، ریحانی، ندا (۱۳۹۶)، «تحلیل رساله عقل سرخ بر اساس نقد کهن‌الگویی»، نشریه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، شماره ۱۷.
- ۲۳- نیک‌پناه، فاطمه، حجازی بهجت‌السادات، فرخ‌نیا، مهیندخت (۱۴۰۰)، «تحلیل نشانه-معنا شناختی عقل سرخ شیخ شهاب‌الدین سهرودی و رساله الطیر ابن سینا» دوفصلنامه بین‌المللی جستارهای ادبی، دوره ۱۴، پیاپی ۷۴، خرداد و تیر ۱۴۰۲، صص ۱۹۱-۲۲۳.